هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه

حسین اکبری*، جلیل عزیزی**

طرح مسأله: *مقالهٔ حاضر به بررسی وضعیت هویت ملی و عوامل موثر بر آن در میان دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه پرداخته است. دوران نوجوانی دورانی است که عناصر شخصیتی افراد در آن شکل می‌گیرد. هویت ملی یکی از عناصر مهم شخصیتی هر فرد محسوب می‌شود که پایهٔ تعهد تعمیم یافته آن‌ها را نسبت به جامعه خود شکل می‌دهد.*

روش: *تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایشی در میان ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطهٔ شهر شیراز، با استفاده از پرسش‌نامهٔ محقق ساخته، انجام شده است.*

یافته‌ها: *یافته‌های تحقیق نشان می دهد که میزان هویت ملی در میان ۷۸ درصد دانش‌آموزان متوسط و بالا است، همچنین ۲۲ درصد از آن‌ها دارای هویت ملی ضعیف بوده و در بحران هویت به‌سر می‌برند.*

نتایج: *بررسی عوامل موثر بر هویت ملی نشان می دهد که مهم‌ترین متغیرهای موثر بر آن به ترتیب عبارت‌اند از احساس تعلق به جامعه، نوع رویکرد به غرب، مشروعیت نظام سیاسی و فردگرایی. بررسی مدل اندازه‌گیری هویت ملی نشان داد که مهم‌ترین ابعاد سازندهٔ هویت ملی دانش‌آموزان به ترتیب بعد جغرافیایی، بعد فرهنگی و بعد تاریخی می‌باشد.*

کلید واژه‌ها: ابعاد هویت ملی، اجزای سازنده، عوامل موثر، هویت ملی

تاریخ دریافت: ۸۶/۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۸۷/۲/۱

* دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران <h_akbari@sbu.ac.ir>

** کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه

مهم‌ترین بعد انسانی در سطح خرد، نظام شخصیت اوست. به تعبیری دیگر از دیدگاه جامعه‌شناختی، فرآیند جامعه‌پذیری که در آن نظام شخصیت شکل می‌گیرد، جزیی از فرآیند توسعه است. با رشد شخصیت‌های انسانی، زمینه برای توسعه و تحول ساختاری فراهم می‌شود. بدون نظم شخصیتی مطلوب، امکان دسترسی به یک نظم اجتماعی مطلوب میسر نیست و بالعکس. با این حساب تغییر سازنده یا توسعه ایجاب می‌کند که ساختار اجتماعی همزمان فرایند تفکیک و انسجام را تجربه نماید و در همان زمان نظام‌های شخصیت، فرآیند تفکیک و انسجام را در فرآیند جامعه‌پذیری تجربه کنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۳۶-۲۳۷).

این در حالی است که شخصیت انسان امروزی معجونی است از کثرت ارزش‌ها و هنجارهای ناهمخوان. تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی، احساس بی‌قدرتی سیاسی و گرفتارشدن در روند اقتصاد جهانی‌شده، شخصیت انسان امروزی را در چنان بی‌ثباتی قرار داده که نمی‌داند "کیست" و "چه می‌خواهد" و"به کجا می‌رود".

این روند به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری دارد. این کشورها که تا چندی پیش دارای ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های ویژهٔ خود بوده‌اند، با هجوم انواع مظاهر فرهنگی ـ اجتماعی غرب، دچار نوعی تناقض و بی‌هویتی شده‌اند.

در ایران نیز با توجه به دوران گذار از یک جامعه سنتی به صنعتی، تناقضات بسیاری دامنگیر افراد به‌ویژه نسل جوان، در زمینهٔ پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی دربارهٔ "خود" و "ملت" خود و... شده است. آن‌گونه که تحقیقات بسیاری نشان از آشفتگی و بحران در پایه‌های هویتی شخصیت جوان ایرانی دارد (حاجیانی، ۱۳۷۹؛ مودب، ۱۳۷۷؛ روحانی، ۱۳۸۰).

با توجه به شکل‌گیری شخصیت در سنین نوجوانی ـ آن‌گونه که اریکسون نیز اشاره می‌کند ـ نوجوانان در دوره‌ای به‌سر می‌برند که پایه و اساس تعهد تعمیم یافته و احساس تعلق عاطفی به جامعهٔ خود شکل می‌گیرد. در سنین نوجوانی و جوانی شخصیت فرد شکل گرفته و طی روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری ارزش‌ها و هنجارهای جامعه درونی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

می‌گردد و جوان براساس آن‌ها رفتار و اندیشه‌های خود را شکل می‌دهد. حال اگر در این سنین، در روند درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها خللی ایجاد شود و جوانان نتوانند پایه و اساس محکمی برای رفتار و اندیشه‌های خود پیدا کنند، دچار حیرانی و سرگشتگی در مواجهه با مسائل و پدیده‌های اجتماعی ـ روانی خواهند شد. در دنیای امروز با توجه به کثرت منابع ارائه‌کنندهٔ ارزش‌ها و هنجارها از یک سو و ارائهٔ تصاویر گوناگون از فرهنگ و سنت‌های گذشته از سوی دیگر و مواجهه با اندیشه‌ها و تفکرات خارج از جامعه خودی، جوانان با چهار راه‌های تصمیم‌گیری بسیاری مواجه‌اند و بسیار ممکن است که به‌طرف خرده فرهنگ‌ها و ارزش‌های متغایر با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماع خود حرکت نمایند.

این امر نه تنها پایهٔ تعهد تعمیم یافته و احساس تعلق عاطفی جوانان را به جامعه سست می‌کند، بلکه به علت عدم کسب هویت ملی مناسب، جوانان فاقد الگوهای رفتاری مناسب در مواجهه با موقعیت‌های مختلف در جامعه خواهند شد و این فقدان سبب سرگشتگی بروز اختلالات روانی در جوانان و عدم رشد شخصیتی و به تبع آن عدم پیشرفت و توسعهٔ جامعه خواهد شد.

بنابراین می‌توان گفت که مسالهٔ هویت ملی امروزه یکی از اساسی‌ترین مسایل پیش روی جوانان به شمار می‌رود که باید به آن پاسخ داده شود. بنابر این، این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال اساسی است که:

میزان تعلق خاطر به هویت ملی در میان جوانان دانش‌آموزان مقطع متوسطه چه اندازه است و چه عواملی بر آن تاثیر می‌گذارد؟

۱) چارچوب نظری

هویت تعریفی است که فرد از خود و وجود خود می‌کند و به پرسش‌هایی چون "چیستم" و "چه می‌خواهم" پاسخ می‌دهد و از طریق هویت به ابعاد شخصیت خود، نوعی هماهنگی و انسجام نسبی می‌بخشد و از نظر روانی و رفتاری در زمان و مکان موضع‌یابی می‌کند (حاجیانی، ۱۳۷۹ : ۱۹۶).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

هویت ملی به مثابهٔ پدیده‌ای سیاسی ـ اجتماعی زاییدهٔ عصر جدید است که ابتدا به اروپا و آن‌گاه از اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. اما هویت ملی به منزلهٔ مفهوم علمی از ساخته‌های تازه علوم اجتماعی است که از نیمهٔ دوم قرن بیستم به جای مفهوم "منش ملی و خلق ملی" که از مفاهیم عصر تفکر رمانتیک بوده در حال رواج یافتن است (مرشدی‌زاد، ۱۳۸۰ :۸۹).

به اعتقاد چلبی "جامعه، شبکه n ام از شبکه‌های اجتماعی است". به عقیدهٔ او، همچنان که از سطح خرد دور می‌شویم شبکه‌هایی با مراتب مختلف از افراد و "ماها" (یا گروه‌ها) و تعاملات آن‌ها مطرح می‌شود ... با تشدید فرایند تفکیک، به هر علت، و به دنبال آن تکثیر گروه‌بندی‌های اجتماعی و "ماهای" مختلف مساله حفظ انسجام کلی جامعه و ادخال گروه‌های مختلف در اجتماع جامعه‌ای مطرح می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲). با ادخال گروه‌ها در "ما"ی کل، زمینه برای عمده و مهم شدن هویت جامعه‌ای نسبت به سایر هویت‌های جمعی مثل هویت خانوادگی، هویت محله‌ای، هویت محلی، هویت قومی و زبانی، هویت‌های سازمانی و غیره فراهم می‌گردد. به عبارت دیگر زمینه برای تحت الشعاع قرار گرفتن سایر هویت‌های جمعی نسبت به هویت جامعه‌ای (ملی) مهیا می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹-۳۰)

بنابراین می‌توان گفت که "هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است. براساس این تعریف، هویت ملی به عنوان مفهومی‌مرکب و چند رکنی در نظر گرفته شده است که در سطح ذهنیت و رفتار یکایک شهروندان قابل بررسی و جست و جو است" (حاجیانی، ۱۳۷۹ : ۱۹۷).

با بررسی دیدگاه صاحب‌نظران در مورد پایه تشکیل هویت جمعی، می‌توان بر دو عنصر عمده و مشترک، یعنی احساس تعهد و تعلق عاطفی تاکید نمود. بدین‌ترتیب درصورتی‌که هویت ملی را جامع‌ترین هویت جمعی و یا هویت جامعه‌ای بدانیم، تعریف آن چنین خواهد شد:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

هویت جامعه‌ای (ملی) نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماع عام (ملی) می‌باشد که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد (رزازی‌فر، ۱۳۷۹ : ۱۰۶).

در مورد عوامل موثر بر هویت ملی یا جامعوی، دیدگاه‌های مختلفی از سوی صاحب نظران ارائه شده و عوامل متعددی در سطوح مختلف مطرح شده است. در ادامه پاره‌ای از دیدگاه‌ها مربوط به سطوح مختلف آورده می‌شود.

۱-۱) دیدگاه‌های مربوط به سطح فردی

گلاسر هویت را جزء لاینفک زندگی همهٔ انسان‌ها در همهٔ فرهنگ‌ها می‌داند که از لحظهٔ تولد تا مرگ ادامه می‌یابد. هویت تصویر فرد نسبت به خویش است که بدان وسیله احساس موفقیت یا عدم موفقیت می‌کند. گلاسو معتقد است که هویت به طرق مختلفی تشکیل می‌شود و رشد می‌کند. یکی از راه‌های تکوین هویت داشتن ارتباط و درگیری عاطفی با خود و دیگران است. اساس تشکیل هویت، تلاش‌ها و فعالیت‌هایی است که علاقمند به تعقیب آن‌ها هستیم و برای تلاش‌ها و فعالیت‌های خود است که متوجه می‌شویم ما که هستیم. برداشت‌ها و نظرات دیگران در روشن کردن هویت ما نقش عمده‌ای دارند. ارزشیابی‌های ما از خودمان در ارتباط با شرایط زندگی، اوضاع اجتماعی و اقتصادی نیز تعیین‌کنندهٔ هویت‌هاست (شفیع آبادی، ۱۳۶۳).

یکی از تئوری‌های مطرح در زمینهٔ هویت اجتماعی، تئوری جدا افتادگی اجتماعی است که بر تعیین هویت گروهی به عنوان جایگزین هویت اجتماعی نوجوانان در شرایط خاص تاکید دارد.

این تئوری تصریح می‌کند "جدا افتادگی" یا "تنهایی اجتماعی" که در اثر فقدان مطرح‌شدن، فقدان احساس تعلق به جامعه و قرارگرفتن فرد در حاشیهٔ جامعه حاصل شده است، منجر به احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان شده و به طور ویژه‌ای برای آنان مشکل‌ساز می‌شود. در این صورت نوجوانان برای کسب هویت خود، به گروه همسالان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

رجوع کرده و با عضویت گروهی در گروه همسالان، موقعیت جدیدی را در جامعه برای تعریف از خود پیدا می‌کنند.

بر این اساس استرایکر و سرپ به تعهد کنش متقابلی که از طریق ارتباط با شبکه‌های مختلف روابط مشخص می‌شود، اشاره می‌کنند و می‌گویند "افراد خاص که شبکه‌های کنش متقابل را شکل می‌دهند از طریق چنین ساختارهای اجتماعی با تاثیر روی تعهدات مستقیماً بر هویت موثر می‌گردند" (رزازی‌فر، ۱۳۷۹ : ۱۱۳).

۲-۱) دیدگاه‌های مربوط به سطح میانه

۱-۲-۱) خانواده

واین و وایت (۱۹۹۷) معتقدند "هویت اجتماعی در متن پاره‌ای از تجربیات زندگی، در وهلهٔ اول با بعد محلی و مکانی زندگی، خانواده و منابع اجتماعی ساخته شده است. مکانی که شخص در آن زندگی و رشد می‌کند (از لحاظ فیزیکی و سازگاری‌های اجتماعی در دسترس)، همچنین زمینهٔ خانوادگی شخص، تاثیر زیادی بر نگرش او به جهان اطراف و تجربهٔ اجتماعی او داشته و نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت افراد و سازگاری با جهان اجتماعی ای‌شان دارد. علاوه بر این، شکل‌گیری هویت در نهادهای اجتماعی، از قبیل مدرسه، مکان‌های کاری، و طی فعالیت‌های تفریحی و اوقات فراغت (هم به عنوان مشارکت‌کننده و هم به‌عنوان تماشاگر) نیز صورت می‌گیرد (Wyn & white, 1997).

۲-۲-۱) مقولات (گروه‌های) اجتماعی

استرایکر معتقد است که اگرچه شخصیت هر فرد به وسیلهٔ تعامل شکل می‌گیرد ولی ساخت‌های اجتماعی تعامل را شکل می‌دهند. کنش‌ها به‌وسیلهٔ هنجارها و ارزش‌های مشترک فرهنگی و از طریق نظام آموزشی به ایجاد تمایلات عام شخصیتی کمک می‌نمایند. ایجاد تعاملات عام شخصیتی باعث ایجاد نظم اجتماعی و در نهایت، از طریق احساس تعلق به جمع به تثبیت هویت ملی و انسجام اجتماعی می‌انجامد (رزازی‌فر، ۱۳۷۹ :۱۹۲).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

بر اساس تئوری مقوله‌بندی، مردم خود را با عضویت در مقولهٔ اجتماعی مشترک تعریف می‌کنند. در این‌جا یک تاکید ادراکی به شباهت‌های درون گروهی و تفاوت‌های برون گروهی، در ابعاد مختلف وجود دارد. مردم خود و دیگران را براساس مقوله‌بندی اجتماعی، کلیشه‌ای می‌کنند، این کار به هویت ادراکی افزوده، بین خود و اعضای درون گروه و یک تمایز ادراکی افزوده بین اعضای درون گروه و بیرون گروه منجر می‌شود. ایدهٔ اساسی در این نظریه این است که افراد دارای عضویت‌های مقوله‌ای هستند که تعریف آن‌ها از خودشان و ویژگی‌های گروهی را که دستورالعمل رفتار یا نشانه‌های هنجاری رفتار را تجویز می‌کند، مشخص می‌کند.

۳-۲-۱) مدرسه

تعداد زیادی از صاحب‌نظران روان‌شناسی رفتار بر این عقیده‌اند که آموزش و تربیت و دیگر تجارب اولیهٔ فرد نقش محوری در شکل‌گیری شخصیت او دارند که به سهم خود در تعیین رفتارهای بعدی او موثرند. بر این اساس گلنر نظام آموزش عام را سبب تجانس فرهنگی می‌داند که قواعد مشترکی را برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌نماید و عمل به این قواعد مشترک موجب ناسیونالیزم یا تعهد ملی عام می‌گردد (رزازی‌فر، ۱۳۷۹ : ۱۱۲).

از سوی دیگر نظام آموزشی که خواهان تحقق فرآیند جامعه‌پذیری فرهنگی و ارزشی و فرهنگ‌پذیری است نیاز به ابر سیستم ملی دارد تا تمامی نهادهای فرهنگی که نقش تولید، انتقال و یا مصرف فرهنگ را در فرآیند جامعه‌پذیری برعهده دارند به صورت همگون و همسو عمل نمایند. اگر نظام آموزشی تنها به آموزش‌های رسمی و دولتی تاکید کند یا فاقد برنامه‌ریزی جامع مبتنی بر ابرسیستم فرهنگ ملی باشد یا با نوعی نابسامانی در زمینهٔ تعلیم و تربیت ناشی از تضاد نهادهای جامعه‌پذیرکننده نظیر خانواده، مدرسه، رسانه و گروه‌های هم‌سال روبه‌رو باشد، شاهد دوران آشوب و شورش اجتماعی و بی‌هویتی خواهیم بود. در آن‌صورت فرهنگ‌گرایی[1] جانشین فرهنگ‌پذیری[2] خواهد شد (دهشیری، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

1. Culturism
2. Acculturation

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

۳-۱) دیدگاه‌های مربوط به عوامل سطح کلان

تحولات سیاسی درون‌زا، به ویژه ساختار سیاسی، ایدئولوژی سیاسی، فرهنگ سیاسی، اندیشهٔ سیاسی، بحران سیاسی و همچنین امنیت ملی، نقش عمده‌ای در تغییر لایه‌های روبنایی هویت ملی ایفا می‌کنند (دهشیری، ۱۳۸۰ : ۱۵۴).

ساختار سیاسی به دلیل برخورداری از قدرت مادی و معنوی نقش و سهم درخور توجهی در هویت‌مندی و هویت‌سازی به معنای تولید نماد، انتقال، مصرف، فهم و تفسیر معانی دارد. نظام‌های سیاسی بسته و متصلب، موجب شکل‌گیری هویت درون‌گرا می‌شوند درحالی که نظام‌های سیاسی باز و مردم‌سالار به شکوفاسازی و رشد محوریت هویت منجر خواهد شد. از این جهت، ساخت قدرت سیاسی اعم از یک جانبه یا دوجانبه، نفوذ قابل توجهی بر هویت‌آفرینی و هویت‌بخشی دارد (دهشیری، ۱۳۸۰ : ۱۵۴).

لویی آلتوسر با ادعای ارایهٔ تحلیلی نو از آثار ماکس، ضمن تایید سیر تحول نظام سرمایه‌داری و حرکت جوامع به سوی نظام‌های غیرطبقاتی و تحقق هویت عام مبتنی بر برابری اجتماعی در تغییر و تحول اجتماعات، علاوه بر نقش عامل اقتصادی مورد نظر مارکس (که به نظر او نیز در نهایت، این عامل تعیین‌کننده خواهد بود)، عوامل سیاسی و ایدئولوژیک را موثر می‌داند و در مورد نظام سرمایه‌داری، ایدئولوژی را به عنوان عاملی مسلط به شمار می‌آورد (عبداللهی، ۱۳۷۴ : ۱۳۵).

هابرماس هم تضادها و تعارضات و بحران هویت‌های موجود را ناشی از نبود آزادی و مشارکت حقیقی مردم در تعیین سرنوشت خویش می‌داند. به نظر او لازمهٔ رفع نابرابری‌ها و تعارضات و رسیدن به اجماع عمومی و کنش اجتماعی عام و در نتیجه سازگاری و یگانگی افراد بر سر باورها و ارزش‌ها و هم‌سویی ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و تشکیل اجتماع عام، وجود جوی آزاد و به دور از سلطه برای انجام گفتگویی آزاد و خردمندانه و نیز مشارکت نظری و عملی افراد در حوزهٔ عمومی[1] است. بنابه اعتقاد او، از

1. Public Sphere

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

برآیند این امور، تکامل اجتماعی ـ انسانی در قالب جامعه‌ای مدنی پدید می‌آید، جامعه‌ای که در آن آزادی و عدالت اجتماعی بر محور هویت عام انسانیت و استقبال از تجربه‌های نوین، تحقق می‌پذیرد (عبداللهی، ۱۳۷۴ : ۱۳۷).

اندرسون مسالهٔ روایت هویت را مطرح می‌کند. بدین معنی که از نظر وی هویت ملی، چیزی است که مدام توسط ابزارهایی نظیر روزنامه، نظام آموزشی و کتاب روایت می‌شود. به طور ساده‌تر، این ابزارها مدام به افراد یک جامعه خاطرنشان می‌کنند که دارای تفاوت‌های بارزی با افراد جوامع دیگر هستند، لذا از آن‌ها مجزا می‌باشند. این مجزا بودن اصلی‌ترین مساله در روایت هویت است. به نظر اندرسون لزوم این روایت هویت از آن‌جا ناشی می‌شود که جوامع نیز همانند انسان‌ها گذشته خود را فراموش می‌کنند و این زمینه متمایز ساختن خود از دیگران را در آن‌ها تضعیف می‌کند.گرین فیلد نیز لزوم تداوم روایت هویت را در خلق هویت ملی مورد تایید قرار می‌دهد.

از سوی دیگر بر مبنای رویکرد درون به برون نوع نگاه هر جامعه به دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به ویژه به فرهنگ غرب تاثیر به سزایی در شکل‌گیری هویت ملی آن جامعه دارد. بنابراین موضع هر تمدن در برابر تمدن‌های دیگر عنصر عمده از هویت آن تمدن را تشکیل می‌دهد (دهشیری، ۱۳۸۰ : ۱۵۹).

۲) روش مطالعه

۲-۱) نوع مطالعه و روش اجرا

روش تحقیق حاضر میدانی است و از روش‌های اسنادی نیز در مطالعات مقدماتی استفاده گشته است. تکنیک تحقیق پیمایش یا تحقیق زمینه‌یابی می‌باشد.

۲-۲) جامعهٔ آماری و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ آماری تحقیق کلیهٔ دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در پایهٔ سوم متوسطه در نواحی چهارگانهٔ شهر شیراز می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردید که بر اساس ۰/۵ به ۰/۵ بین دانش‌آموزان دختر و پسر تقسیم گردید.

در تحقیق حاضر از ترکیب شیوهٔ نمونه‌گیری مطبق و تصادفی استفاده شده است. در این روش بعد از تعیین حجم نمونه، حجم نمونه در نواحی چهارگانهٔ شیراز به نسبت تعداد دانش‌آموزان هر منطقه تقسیم شد. بعد از تعیین تعداد دانش‌آموزان هر منطقه ۲۰ دبیرستان به نسبت تعداد حجم نمونه در مناطق چهارگانه به‌طور تصادفی انتخاب شد و در هر دبیرستان ۲۰ نفر از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان به‌طور تصادفی بر اساس لیست‌های کلاسی انتخاب شدند.

۲-۳) ابزار مطالعه

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامهٔ خود اجرا می‌باشد. قسمت‌های اصلی پرسش‌نامه شامل سؤالات مربوط به سنجش متغیرهای مستقل، سؤالات مربوط به سنجش هویت ملی و ابعاد آن و سؤالات مربوط به مشخصات پیشینه‌ای پاسخگویان می‌باشد.

برای بررسی پایایی ابزار تحقیق، از پایایی تجربی استفاده گشت. در پایایی تجربی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به بررسی پایایی[1] ابزار تحقیق پرداخته شد. برای بررسی روایی[2] متغیرها نیز از آلفای کروبناخ استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ نشان‌گر پایایی و روایی مناسب ابزار تحقیق می‌باشند.

۲-۴) متغیرهای مطالعه

۲-۴-۱) متغیرهای مستقل

با توجه به ادبیات نظری ارائه شده و بررسی تحقیقات پیشین در زمینهٔ عوامل موثر بر

1. Validity
2. Reliability

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

هویت ملی در سطوح مختلف، متغیرهای مستقل انتخاب شده عبارت‌اند از:

الف) متغیرهای سطح فردی: احساس تعلق به جامعه (معرف‌ها: احساس مفید بودن، اهمیت جامعه به نظرات فرد، فدا کردن جان در راه وطن)، فردگرایی (معرف‌ها: اولویت دادن به منافع خویش، ارجحیت کار فردی نسبت به کار گروهی، قبول داشتن نظرات خود نسبت به نظرات گروه) و رویکرد مثبت به غرب (معرف‌ها: نبودن ارزش‌های انسانی در غرب، هجوم فرهنگی غرب به فرهنگ ما، تأمین خوشبختی انسان در غرب).

ب) متغیرهای سطح خانواده: شکاف ارزشی (معرف‌ها: عدم الزام به رعایت رسوم گذشته، راحت‌تر بودن با دوستان در مقایسه با والدین، مخالفت والدین با گوش دادن به موسیقی مورد علاقه).

ج) متغیرهای سطح مدرسه‌ای: برنامهٔ درسی مدارس (معرف‌ها: انعکاس افتخارات گذشته در کتب درسی، انعکاس موفقیت‌های پس از انقلاب در کتب درسی، آشنایی با مسایل مذهبی ازطریق خواندن کتب درسی)، شرکت در برنامه‌های فوق برنامه (معرف‌ها: بازدید از آثار باستانی، زیارت مراکز مذهبی، بازدید از موزه های تاریخی، تحقیق درمورد ایران، شرکت در جشن‌های ملی)، عضویت در مقولات اجتماعی در مدرسه (معرف‌ها: عضویت در کتابخانهٔ مدرسه، کانون‌های تربیتی، تیم‌های ورزشی، هیأت‌های مذهبی، بسیج، هلال احمر، شورای دانش آموزی، تعاونی مدرسه).

د) متغیرهای سطح جامعه‌ای: احساس نابرابری اجتماعی (معرف‌ها: تفاوت بین فقیر و غنی درایران، وجود فرصت رشد و پیشرفت یکسان برای همه، تعلق اکثریت مردم به کدام طبقه اجتماعی)، روایت هویت ملی (معرف‌ها: شناساندن فرهنگ و تاریخ ایران ازطریق صدا وسیما، انعکاس موفقیت‌های پس از انقلاب در کتب درسی)، مشروعیت نظام و رضایت اجتماعی ـ سیاسی و اقتصادی (معرف‌ها: رضایت از رعایت عدالت در دادگاه‌ها، فعالیت پلیس برای ایجاد امنیت، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، فعالیت نمایندگان مجلس، کمک به همنوع در بین مردم، احترام متقابل در بین مردم، رعایت شئونات مذهبی، ایجاد اشتغال توسط دولت، کنترل قیمت‌ها).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

۲-۴-۲) متغیر وابسته؛ هویت ملی و ابعاد آن

از آن‌جا که بخش عمدهٔ تحقیق به بررسی هویت ملی و ابعاد آن اختصاص یافته است در ادامه چگونگی سنجش آن‌ها آورده می‌شود. در این پژوهش با توجه به ادبیات بررسی شده هشت بُعد برای هویت ملی در نظر گرفته شد و هویت ملی از ترکیب این هشت بعد ساخته شد. جدول شمارهٔ ۱ تعریف هر یک از این ابعاد را همراه با معرف‌های سنجش آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱: تعاریف نظری و معرف‌های استفاده شده در سنجش ابعاد هشتگانه هویت ملی

ابعاد	تعریف	معرف‌ها
بعد اجتماعی	هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات و مشخصات و تفکراتی اشاره می‌کند که فرد آن‌ها را از طریق اشتراکات اجتماعی و عضویت در گروه‌ها و مقوله‌های اجتماعی کسب می‌کند.	رعایت حقوق دیگران
		برخوردصحیح با دیگران
		داشتن رابطهٔ دوستانه با دیگران
		بی تفاوتی نسبت به مسائل جامعه
بعد تاریخی	آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن.	برجسته بودن تمدن ایرانی
		احساس غرور نسبت به آثار باستانی
		حفاظت و تقویت فرهنگ و تمدن ایرانی
بعد سیاسی	میزان وفاداری اعضای یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی سیاسی و مرزهای کشور.	آگاهی از محتوای قانون اساسی
		اعتماد به صاحبان قدرت
		ارجحیت حکومت جمهوری اسلامی نسبت به سایر نظام‌های سیاسی
بعدجغرافیایی	نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که "ما" ساکن یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم.	عشق به سرزمین ایران
		تنوع طبیعی ایران
		افتخار به دنیا آمدن درایران
		دفاع ازتصرف یک وجب از خاک ایران توسط بیگانگان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

ادامهٔ جدول ۱

بعد زبانی وادبی	دلبستگی و تعلق خاطر به میراث مکتوب، مجموعه‌های داستانی، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، ضرب‌المثل‌ها، متل‌ها و چیستان‌ها و..	سودمندی مطالعه درس ادبیات در دبیرستان
		عشق ورزیدن به زبان فارسی
		به‌کارگیری ضرب المثل‌های ایرانی در صحبت کردن
بعد قومی عام‌گرا	عدم برجستگی مولفه‌های مرتبط با قومیت فرد در برابر مولفه‌های جامعه کلی و داشتن روابط اجتماعی غیر تبعیض‌آمیز با اعضا گروه‌های قومی دیگر.	ابراز تاسف نسبت به تعلق به گروه قومی
		داشتن دوستان زیاد از اقوام دیگر
		اعتماد به گروه‌های قومی دیگر
بعد فرهنگی	مجموعهء ارزش‌ها، باورها، سمبل‌ها و.... که سبب شناخته‌شدن و متمایز کردن فرد و جامعه از دیگر افراد و جوامع می‌شود.	ضعیف بودن روح جوانمردی ایرانیان
		تعریف بیش از حد ایرانیان از خود
		رقابت با کشورهای پیشرفته در زمینهٔ علمی
		دوست داشتن موسیقی اصیل ایرانی
بعد دینی	برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر	نیاز به دین با پیشرفت علم
		زیارت اماکن مقدس
		اعتقاد به ناظر بودن خداوند بر اعمال ما
		جدایی دین از سیاست

۳) یافته‌ها

۳-۱) مشخصات جمعیت‌شناختی

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونهٔ مورد بررسی نشان می‌دهد که ۵۰ درصد پاسخگویان دختر و ۵۰ درصد پسر می‌باشند. رشتهٔ تحصیلی ۲۸/۶ درصد پاسخگویان علوم تجربی، ۳۰/۹ درصد ریاضی و فیزیک، ۲۰/۳ درصد انسانی، ۸/۳ درصد فنی و حرفه‌ای و ۸/۸ درصد کاردانش بوده است. ۲۴/۷ درصد دانش‌آموزان فرزند اول خانواده می‌باشند، ۴۰/۷ درصد فرزند دوم یا سوم هستند، ۲۴/۶ درصد فرزند چهارم یا پنجم و بقیه فرزند ششم یا بالاتر هستند. توزیع فراوانی پاسخگویان نشان می‌دهد که تحصیلات پدر ۱۰

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

درصد پاسخگویان بی‌سواد یا سواد خواندن و نوشتن، ۱۱ درصد ابتدایی، ۲۴ درصد سیکل، ۳۵ درصد دیپلم و ۱۵ درصد لیسانس و بالاتر از لیسانس می‌باشد.

۲-۳) وضعیت هویت ملی

بررسی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در اکثریت ابعاد هویت ملی، دانش‌آموزان دارای هویت بالا می‌باشند و این امر در میان دختران و پسران دارای تفاوت چندانی نیست. همچنان‌که جدول شمارهٔ ۲ نشان می‌دهد ۷۵/۷ درصد پسران در بعد اجتماعی، ۷۵/۹ درصد در بعد تاریخی، ۷۴/۷ درصد در بعد جغرافیایی، ۵۸ درصد در بعد زبانی و ادبی، ۴۹/۵ درصد در بعد قومی، ۴۷/۷ درصد در بعد فرهنگی و ۸۳/۴ درصد در بعد دینی دارای هویت بالا و خیلی بالا می‌باشند و تنها در بعد سیاسی این میزان ۱۶/۷ درصد می‌باشد.

جدول ۲: میزان هویت ملی دانش‌آموزان بر حسب جنسیت (درصد)

	خیلی پایین و پایین		متوسط		بالا و خیلی بالا	
جنسیت	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر
بعد اجتماعی	۳/۶	۲/۶	۲۰/۷	۱۳/۳	۷۵/۷	۸۴/۱
بعد تاریخی	۴	۶/۲	۲۰/۱	۱۷/۷	۷۵/۹	۷۶/۱
بعد سیاسی	۵۰	۴۹/۳	۳۳/۳	۳۰/۱	۱۶/۷	۲۰/۶
بعد جغرافیای	۱۰/۹	۷/۶	۱۴/۴	۱۴/۸	۷۴/۷	۷۷/۵
بعد زبانی و ادبی	۱۶/۱	۱۵/۳	۲۵/۹	۲۲/۵	۵۸	۶۲/۲
بعد قومی	۱۶	۲۸/۲	۳۴/۵	۲۹/۷	۴۹/۵	۴۲/۱
بعد فرهنگی	۲۴/۱	۲۴/۹	۲۸/۲	۲۹/۷	۴۷/۷	۴۵/۵
بعد دینی	۳/۴	۱/۹	۱۳/۲	۴/۸	۸۳/۴	۹۳/۳
هویت ملی	۲۳/۱	۱۸/۷	۳۳/۵	۳۰/۶	۴۳/۳	۵۰/۷

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

این در حالی است که میزان هویت ملی در میان دختران ۸۴/۱ درصد در بعد اجتماعی، ۷۶/۱ درصد در بعد تاریخی، ۷۷/۵ درصد در بعد جغرافیایی، ۶۲/۲ درصد در بعد زبانی و ادبی، ۴۲/۱ درصد در بعد قومی، ۴۵/۵ درصد در بعد فرهنگی و ۹۳/۳ درصد در بعد دینی می‌باشد. بعد سیاسی در دختران نیز همانند پسران پایین بوده و تنها ۲۰/۶ درصد دارای هویت سیاسی بالا و خیلی بالا می‌باشند. در کل، نتایج نشان می‌دهد که ۷۶/۸ درصد پسران و ۸۱/۳ درصد دختران دارای هویت ملی بالا یا متوسط هستند.

نتایج آزمون مقایسهٔ میانگین‌ها نشان می‌دهد که میزان هویت ملی و ابعاد آن در میان دانش‌آموزان دختر و پسر در ابعاد اجتماعی، جغرافیایی، قومی عام گرا و دینی دارای تفاوت معنادار می‌باشد. دختران در ابعاد اجتماعی، جغرافیایی و دینی دارای میزان هویت بالاتر از پسران بوده و پسران نیز در بعد قومی هویت از دختران بالاتر می‌باشند و خاص گرایی قومی در آن‌ها کمتر است. نتایج نشان می‌دهد که در کل دختران دارای هویت ملی بالاتری می‌باشند هر چند که این امر معنی‌دار نمی‌باشد.

۳-۳) رابطهٔ متغیرهای مستقل با هویت ملی و ابعاد آن

بررسی سهم نسبی هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین هویت ملی در جدول شمارهٔ ۳ آمده است. در این جدول با استفاده از مدل‌های رگرسیونی اقدام به بررسی اثر متغیرهای مستقل بر هویت ملی با کنترل اثرات همپوش آن‌ها شده است. به منظور تعیین سهم متغیرها در سطوح مختلف در تبیین هویت ملی، متغیرهای مستقل در چهار سطح فردی، خانواده، مدرسه و جامعه تقسیم شده و در هر مدل متغیرهای یک سطح وارد معادلهٔ رگرسیونی شده و در نهایت متغیرهای چهار سطح در مدل نهایی وارد معادله شده و متغیرها با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

مطابق با جدول شمارهٔ ۳، در مدل اول سه متغیر سطح فردی وارد مدل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هر سه متغیر دارای رابطهٔ معنی‌دار با هویت ملی می‌باشند و از این میان احساس تعلق به جامعه دارای رابطه مثبت و فردگرایی و رویکرد مثبت به غرب دارای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

رابطهٔ منفی و اثر کاهنده بر هویت ملی می‌باشند. R2 مدل ۰/۴۹ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای سطح فردی توانسته‌اند ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

در مدل دوم متغیر سطح خانواده یعنی شکاف ارزشی وارد معادله شده است. نتیجه نشان می‌دهد که شکاف ارزشی دارای یک رابطهٔ منفی و معنی‌دار با هویت ملی می‌باشد به گونه‌ای که با افزایش شکاف ارزشی بین نسلی از میزان هویت ملی دانش‌آموزان کاسته می‌شود.

در مدل سوم سه متغیر سطح مدرسه ای وارد معادله شده است. نتایج نشان می‌دهد که برنامه درسی مدارس و عضویت در مقولات اجتماعی دارای یک رابطهٔ معنی‌دار و مثبت با هویت ملی می‌باشند. هرچه میزان عناصر هویتی در برنامهٔ درسی مدارس بیشتر باشد، میزان هویت ملی افزایش می‌یابد و با افزایش عضویت دانش‌آموزان در مقولات اجتماعی در مدرسه و شرکت در فعالیت‌های آن‌ها میزان هویت ملی شان افزایش می‌یابد. متغیر شرکت در برنامه‌های فوق برنامه در تحقیق حاضر رابطهٔ معنی‌داری از خود نشان نداد. متغیرهای سطح مدرسه‌ای توانسته‌اند ۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

در مدل چهارم متغیرهای سطح جامعه‌ای وارد معادله شده‌اند. آن‌چنان‌که مشاهده می‌شود از میان این متغیرها روایت هویت ملی و مشروعیت نظام سیاسی دارای رابطهٔ معنی‌دار و مثبت با هویت ملی می‌باشند و احساس نابرابری اجتماعی و رضایت اجتماعی ـ سیاسی و اقتصادی فاقد رابطهٔ معنی‌دار می‌باشد. از این میان مشروعیت نظام سیاسی دارای ضریب بتای بالاتر و تاثیر بیشتری می‌باشد. R2 مدل ۰/۲۶ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای سطح جامعه‌ای توانسته‌اند ۲۶ درصد از تغییرات هویت ملی را تبیین نمایند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

جدول ۳: ضرایب رگرسیونی هویت ملی روی متغیرهای مستقل

			مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
	Constant		۴۷/۸۶	۷۰/۴۵	۳۷/۷۶	۴۲/۴۳	۳۷/۹۹
متغیرهای سطح فردی	احساس تعلق به جامعه	b	۰/۴۴**				۰/۳۹**
		β	۰/۴۷				۰/۴۲
	فردگرایی	b	-۰/۱۴**				-۰/۱۳**
		β	-۰/۱۲				-۰/۱۱
	رویکردمثبت به غرب	b	-۰/۲۲**				-۰/۱۷**
		β	-۰/۲۹				-۰/۲۳
متغیرسطح خانواده	شکاف ارزشی	b		-۰/۲۶**			-۰/۰۴
		β		-۰/۲۷			-۰/۰۴
متغیرهای سطح مدرسه	برنامهٔ درسی مدارس	b			۰/۲۷**		۰/۰۸
		β			۰/۲۴		۰/۰۷
	شرکت در برنامه های فوق برنامه	b			۰/۰۳		-۰/۰۲
		β			۰/۰۴		-۰/۰۳
	عضویت در مقولات اجتماعی در مدرسه	b			۰/۱۳**		-۰/۰۴
		β			۰/۱۳		-۰/۰۴
متغیرهای سطح جامعه ای	احساس نابرابری اجتماعی	b				-۰/۰۳	۰/۰۲
		β				-۰/۰۴	۰/۰۲
	روایت هویت ملی	b				۰/۱۰*	۰/۰۷
		β				۰/۱۱	۰/۰۷
	مشروعیت نظام	b				۰/۴۴**	۰/۱۵**
		β				۰/۴۷	۰/۱۶
	رضایت اجتماعی سیاسی و اقتصادی	b				-۰/۰۲	-۰/۰۰۹
		β				-۰/۰۱	-۰/۰۰۷

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

ادامهٔ جدول ۳

R2	۰/۴۹	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۲۶	۰/۵۳
R2 Adjusted	۰/۴۸	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۲۷	۰/۵۱
N	۳۸۵	۳۸۵	۳۷۵	۳۸۲	۳۷۲
* Sig = معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ ** = معنی‌دار در سطح ۰/۰۱					

در مدل پنجم[1] تمام متغیرها وارد معادله شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که با ورود تمام متغیرها در مدل، متغیرهای سطح فردی یعنی احساس تعلق به جامعه، فردگرایی و رویکرد مثبت به غرب و مشروعیت نظام سیاسی معنی‌دار می‌باشند و دیگر متغیرها معنی دارای خود را از دست داده و غیرمعنی‌دار می‌باشند. بر اساس ضرایب بتای مدل، متغیر احساس تعلق به جامعه دارای بیشترین اثر بر هویت ملی می‌باشد. پس از آن متغیر رویکرد مثبت به غرب دارای بیشترین اثر می‌باشد. R2 مدل نهایی ۰/۵۳ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل در چهار سطح تحلیل توانسته‌اند ۵۳ درصد از تغییرات متغیر هویت ملی را تبیین نمایند.

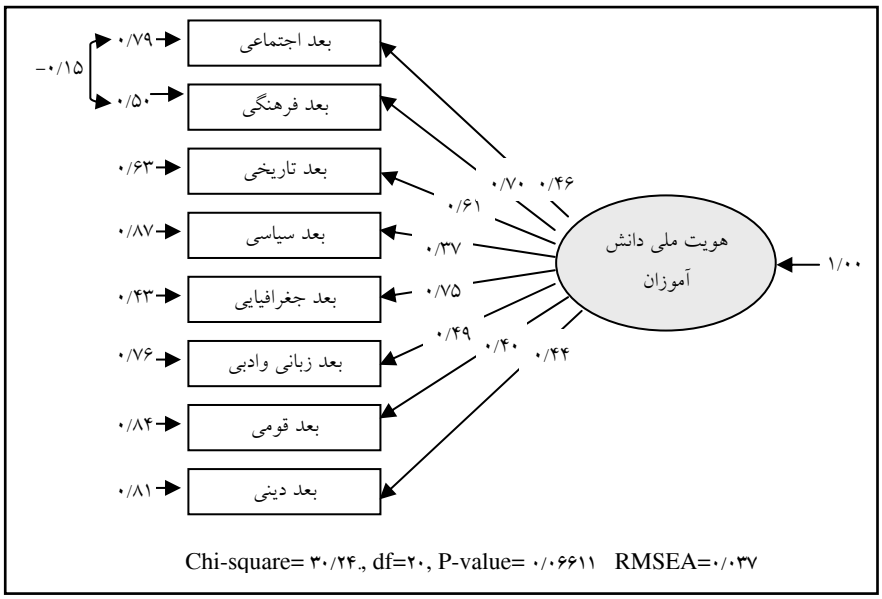
۴-۳) اجزای اصلی سازندهٔ هویت ملی دانش آموزان

همان‌گونه که مشاهده شد، برای بررسی هویت ملی هشت بعد در نظر گرفته شد که شامل بعد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی، جغرافیایی، قومی، ادبی و زبانی و بعد دینی می‌باشد. هر کدام از این ابعاد با استفاده از گویه هایی بررسی و در نهایت از ترکیب آن‌ها هویت ملی ساخته شد. اما سوالی که این‌جا مطرح است این است که عمده ترین ابعاد سازنده هویت ملی دانش‌آموزان چه ابعادی می‌باشند؟ برای بررسی این سوال با استفاده از نرم افزار Lisrel 8.53 اقدام به بررسی مدل اندازه‌گیری هویت ملی گردید تا هم سهم نسبی هر بعد در ساخت «متغیر مکنون هویت ملی» مشخص گردد و هم برازش مدل بررسی گردد.

1. Full Model

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

مدل ۱: مدل اندازه‌گیری هویت ملی



آن‌گونه که مدل شمارهٔ ۱ نشان می‌دهد از میان ابعاد هویت ملی بیشترین ضرایب گاما به ترتیب مربوط به بعد جغرافیایی با ضریب ۰/۷۵، بعد فرهنگی با ضریب ۰/۷۰ و بعد تاریخی با ضریب ۰/۶۱ می‌باشد. بنابراین مشخص می‌شود که مهم‌ترین ابعاد سازندهٔ هویت ملی دانش‌آموزان نیز این سه بعد می‌باشد. شاخص‌های نیکویی برازش نیز نشان می‌دهد که مدل دارای برازش کامل می‌باشد و مدل نظری با داده های موجود تطابق دارد. همان‌گونه که شاخص‌های GFI, CFI, IFI نشان‌دهندهٔ برازش بالای مدل می‌باشند. P-value مدل نیز بالای ۰/۰۵ می‌باشد و حاصل تقسیم کای دو بر درجهٔ آزادی کوچک‌تر از ۲ می‌باشد که همگی نشان از برازش کامل مدل دارند. جدول زیر شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

جدول ۴: شاخص‌های نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری هویت ملی

شاخص‌های نیکویی برازش								
df	X2	RMSEA	RMR	NFI	CFI	IFI	AGFI	GFI
۲۰	۲۰/۲۴	۰/۰۳۷	۱۴/۶۲	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۸

بر این اساس، آن‌گونه که مشاهده می‌گردد سه بعد جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی دارای بیشترین سهم در ساختن هویت ملی می‌باشند. از جنبهٔ نظری نیز این یافته قابل تامل است. متعلق دانستن خود به یک واحد جغرافیایی اولین عنصر تعریف خود است: "من یک ایرانی هستم". ایران به‌عنوان یک واحد جغرافیایی مرجع تعریف فرد از خود می‌باشد. همچنین فرهنگ یک جامعه به‌عنوان حامل ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای رفتاری و ... در تعریف فرد از خود و ایجاد مشترکات با سایر افراد جامعه و بالتبع احساس تعلق به اجتماع جامعه‌ای عنصر اساسی می‌باشد. هویت تاریخی نیز با ایجاد پشتوانه‌ای غنی در ایجاد حس ریشه داشتن، عناصری برای تعریف خود در اختیار فرد می‌گذارد. بنابراین در اینجا این سه بعد هویت به‌عنوان ابعاد اصلی هویت ملی دانش‌آموزان مطرح می‌شود هر چند که نمی‌توان از اهمیت سایر ابعاد غافل ماند.

۴) بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق مشخص گردید که اکثریت دانش‌آموزان مورد بررسی دارای هویت ملی متوسط و بالا می‌باشند. هر چند در بعضی از ابعاد هویت ملی مانند بعد سیاسی، نزدیک به ۵۰ درصد دانش‌آموزان دارای هویت سیاسی پایین هستند؛ ولی بسیاری از دانش‌آموزان دارای هویت ملی تثبیت شده و در مجموع ۲۲ درصد دارای هویت ملی ضعیف بوده و در بحران هویت بسر می‌برند.

در یک نگاه کلی می‌توان نتیجه گیری کرد که بحران هویت ملی آن‌چنان‌که در بعضی تحقیقات و سخنان عنوان شده است، در میان دانش‌آموزان مورد بررسی مشاهده نشده و در کل نمی‌توان عنوان کرد که دانش‌آموزان در بحران هویت ملی به‌سر می‌برند، هر چند که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

۲۲ درصد هم رقمی قابل اعتناست و باید با برنامه‌ریزی اصولی نسبت به خارج کردن این افراد از بحران حرکت کرد؛ به‌ویژه در بعد سیاسی که به علل مختلف میزان بحران بالاتر از سایر ابعاد می‌باشد. این نتیجه با نتایج حاصل از بررسی سازمان ملی جوانان منطبق می‌باشد که در آن در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به ترتیب ۷۵ و ۷۷ درصد جوانان دارای هویت ملی بوده‌اند (سازمان ملی جوانان (۱۳۸۶)، برنامه ارتقای هویت دینی و ملی جوانان). در مطالعهٔ حاضر نیز ۷۸ درصد دانش‌آموزان دارای هویت ملی متوسط و بالا می‌باشند.

همچنان‌که نتایج تحقیقات پیشین نیز نشان داد (طالبی، ۱۳۷۸) نقش فعالیت‌های مدارس در شکل‌دهی هویت ایرانی در دانش‌آموزان کم رنگ بوده و به درستی نتوانسته است آگاهی، تعلق خاطر و پایبندی به ارزش‌ها، باورها، هنجارها، نمادها، اسطوره‌های ملی و آگاهی از جغرافیای ایران و میراث فرهنگی را در دانش‌آموزان ایجاد کند. به عبارت دیگر، فرهنگ اصیل ایرانی در مدارس مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌است و برای آن برنامه ریزی خاصی صورت نگرفته و دانش‌آموزان عمدتا" بیرون از مدرسه هویت ملی خود را شکل می‌دهند.

به‌طور کلی اکثریت دانش‌آموزان به کشور خود عشق ورزیده و نسبت به آن دلبستگی و تعهد دارند و حاضرند برای آن جان خود را فدا سازند، به‌ویژه هویت دینی و تاریخی و جغرافیایی دانش‌آموزان در حد بسیار بالایی قرار دارد. هر چند عدم برنامه‌ریزی اصولی مانند کم بودن برنامه های فوق برنامه در مدارس، عدم گسترش شبکهٔ روابط اجتماعی دانش‌آموزان از طریق افزایش مشارکت اجتماعی آن‌ها و گسترش عضویت در مقولات اجتماعی، عدم برآوردن رضایت سیاسی ـ اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان که از طریق روندهای مقایسهٔ اجتماعی و احساس نابرابری اجتماعی ایجاد شده و تأثیر منفی بر برداشت کلی آن‌ها از جامعه دارد، به تضعیف نسبی این احساس انجامیده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

منابع

References

- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، **جامعه‌شناسی نظم**، تهران، نشرنی.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۷۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، **فصلنامه مطالعه**، سال دوم، شمارهٔ ۵.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۰)، جهانی شدن و هویت ملی، **فصلنامهٔ هویت ملی**، شماره ۵.
- رزازی‌فر، افسر. (۱۳۷۹)، «الگوی جامعه شناختی هویت ملی در ایران»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال دوم، شماره ۵.
- روحانی، لطیف. (۱۳۸۰)، «جوانان، تحولات اجتماعی و بحران هویت»، **روزنامه حیات نو**، ۹/۲۴؛ صفحه ۴.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۶)، **برنامه ارتقای هویت دینی و ملی جوانان**، قابل دسترسی در:
http://www.javanan.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=985&Itemid=985
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۶۳)، **فنون روش‌های مشاوره**، تهران، انتشارات رز.
- طالبی، سکینه. (۱۳۷۸)، «تحول هویت ملی دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر»، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، شمارهٔ ۶۳.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۴)، «بحران هویت جمعی و دینامیسم و مکانیزم تحول آن در ایران و تاثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران و جهان»، **نامه پژوهش**، شمارهٔ ۲ و ۳.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و بحران هویت»، **فصلنامه ملی**، سال سوم، شمارهٔ ۱۰.
- مرشدی‌زاد، علی. (۱۳۸۰)، «تحول و بحران در هویت فرهنگی ایران از دوره رضا شاه تا عصر جمهوری اسلامی»، **نامه پژوهش**، سال ششم، شماره ۲۲ و ۲۳.
- مودب، الهام. (۱۳۷۷)، «من کیستم؟ بحران هویت در دوران نوجوانی»، **روزنامه همشهری**.

- Wyn, Johanna & Rob, White. (1997), **Rethinking Youth**, London, Sage Pub.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

کتابخانه



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]